

فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ اسلام

سال بیست و سوم، شماره نود و یکم

پائیز ۱۴۰۱

بازتاب اخبار زنان در دوره شکوفایی فرهنگ اسلامی

در متون جغرافیایی با تأکید بر أحسن التقاسیم

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۸/۶

تاریخ تأیید: ۱۴۰۱/۱۲/۴

۱ صدرالله اسماعیل زاده

۲ محمد سپهری

۳ سید ابوالفضل رضوی

جایگاه زنان و شیوه حضور و ایفای نقش این قشر در جامعه، از موضوعاتی است که در بررسی و تحلیل هویت تاریخی ملت‌ها و ارزیابی سطح فرهنگی و تمدنی جوامع گوناگون، و از جمله جوامع اسلامی، همواره مورد نظر پژوهشگران بوده است؛ اما با توجه به انعکاس کم اخبار اجتماعی زنان در منابع تاریخی اولیه اسلامی، باید منابع دیگر را برای آگاهی از نقش زنان کاوید. یکی از مناسب‌ترین منابع دوره اسلامی در این زمینه، متون جغرافیایی است که تصویری از حیات اجتماعی زنان در شهرهای مختلف را می‌توان در برخی از آنها یافت. کتاب أحسن التقاسیم نوشته محمدبن‌احمد شمس‌الدین مقدسی (۳۸۰ ق)، از جمله منابع جغرافیایی است که نگاهی

۱. دکترای تاریخ اسلام، دانشگاه مذاهب اسلامی تهران: (sesmaeilzadeh@yahoo.com).

۲. استاد تاریخ اسلام، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی: (sepehran55@gmail.com).

۳. دکترای تاریخ ایران بعد از اسلام، دانشیار گروه تاریخ دانشگاه خوارزمی تهران: (Abolfazlrazavi@khu.ac.ir).

ویژه به مردم و آداب و رسوم آنها دارد.

این نوشتار، بر آن است به این پرسش پاسخ دهد که مقدسی به چه بخشی از اخبار زنان بیشتر توجه داشته و از چه زاویه‌ای به آنان نگرسته است؟ شواهد گردآوری شده از این کتاب، نشان می‌دهد که ساحت اجتماعی فعالیت زنان، ازدواج و فساد اخلاقی، مهم‌ترین موضوعات مورد توجه در این کتاب در باب زنان است. همچنین، مقدسی از نگاه دینی به زندگی اجتماعی مردم پرداخته و از این زاویه، کوشیده است در باره رفتار زنان داوری کند.

کلیدواژگان: متون جغرافیایی، تاریخ زنان، احسن التقاسیم، شمس‌الدین

محمد مقدسی.

مقدمه

تغییر رویکرد در تاریخ‌نگاری قرون معاصر از تاریخ‌نگاری سیاسی فون رانکه^۱ (د. ۱۸۸۶م) که توجه به نخبگان سیاسی و فعالیت‌های آنان مورد نظر بود، به تاریخ فرهنگی یاکوب بورکهارت^۲ (د. ۱۸۹۷م)، زمینه‌ای برای ورود به عرصه‌های جدید در تاریخ‌نگاری فراهم آورد. با آغاز قرن بیستم و شکل‌گیری مکتب تاریخ‌نگاری آنال^۳ که به طور عمده به تاریخ اجتماعی توجه دارد و از سایر علوم انسانی برای بازسازی و نگارش تاریخ کمک گرفت،

۱. Leopold von Ranke، تاریخ‌نگار اهل آلمان بود که به عنوان یکی از برجسته‌ترین

بنیان‌گذاران تاریخ‌نگاری مدرن شناخته می‌شود.

۲. Jacob Burckhardt، تاریخ‌نگار سوئیس و چهره تأثیرگذار در تاریخ فرهنگی.

۳. Annales Historiography School. این مکتب یکی از تأثیرگذارترین مکاتب

تاریخ‌نگاری و جنبش‌های روشنفکری در قرن بیستم بوده است که بر تاریخ اجتماعی تأکید دارد.

مفاهیم دیگری را در تاریخ‌نگاری شکل داد که مفهوم «تاریخ از پایین»، از آن دست است. در مقابل تواریخ رسمی که همه سخن از پادشاهان، نخبگان و حاکمان است، در این شیوه، موضوع پژوهش و تاریخ، توده مردم به طور عام، و نظام و امور زندگی روزمره آنان در فراخ‌ترین شکل ممکن است. تاریخ زنان نیز متأثر از تاریخ اجتماعی و تاریخ از پایین بوده و سعی دارد زنان را به عنوان موضوع تاریخ مورد توجه قرار دهد.

از دیگر سو، با توجه به وجود تاریخ‌نگاری‌های درباری در سده‌های نخستین اسلامی و نگاه ویژه مورخان به طبقات فرادست، گزارش‌های محدودی از زندگی اجتماعی توده‌های مردم وجود دارد. این رویکرد، در بیان اخبار اجتماعی زنان بیشتر جلوه می‌کند؛ چراکه نگاه مردسالاری نیز بدان افزوده می‌شود. از آن سو، زنان با توجه به جایگاه و طبقه اجتماعی خود، در مناسبات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جامعه نقش‌آفرینی داشته‌اند. در اینجاست که بررسی سایر منابع در شناخت تاریخ اجتماعی زنان ضروری به نظر می‌رسد.

یکی از این منابع، متون جغرافیایی است. علم جغرافیا به عنوان یکی از قدیمی‌ترین علوم، دانش گرانیهای است که نه تنها کنج‌کاوی بشر را پاسخگو بوده، بلکه در امور روزمره و روابط انسانی نیز کاربردهای علمی داشته است. مردم‌شناسی و غیرسیاسی بودن آن، اهمیت متون جغرافیایی را دوچندان کرده است. در این میان، کتاب *احسن‌التقاسیم* نوشته مقدسی (د. ۳۸۱ق) از جایگاه خاصی برخوردار است و نگاه جدیدی در علم جغرافیا به مردم‌شناسی و آداب‌ورسوم آن دارد. مقدسی برخلاف بسیاری از جغرافی‌نویسان که از زنان سخن‌چندانی نمی‌گویند، کوشیده تا تصویری از آداب معاشرت و موقعیت اجتماعی زنان ارائه کند.

از دیگر سو، سده چهارم هجری از درخشان‌ترین و پُرفروغ‌ترین روزگاران تاریخ و تمدن اسلام است که از آن، به دوران طلایی تمدن اسلام و عصر نوزایی یاد شده است؛^۱

۱. آدام متز، محور کتاب خود را بر همین اساس نگاشته است. (آدام متز، ۱۳۶۲، *تمدن اسلامی در*

قرن چهارم هجری، ترجمه: علیرضا ذکاوتی قراگزلو، تهران، امیرکبیر)

اما در این عرصه، یعنی موضوع زنان و چگونگی پردازش مورخان به آنان، کار چندانی صورت نگرفته است. از منظر تاریخ‌نگاری سیاسی، در خصوص نقش زنان در این سده، مقالات و پژوهش‌هایی به نگارش در آمده است؛ مقالاتی چون: «تأثیر حضور زنان در امور سیاسی و اقتصادی دربار عباسیان» نوشته رمضان زین‌العابدینی و امین داوری، پایان‌نامه «وضعیت زنان در قرون سوم و چهارم هجری در خلافت عباسیان» نوشته کبری شوندی مطلق و «جایگاه زن در دستگاه خلافت عباسی و نقش ایرانیان در این جایگاه» نوشته شیرین بیانی. همچنین، مقاله‌ای با عنوان «جلوه مسائل زنان در اصول کافی» توسط مریم غفاری جاهد به نگارش درآمد که با موضوع این مقاله متفاوت است. برخلاف نوشته‌های یادشده، این مقاله نقش زن را در منازعات و مسائل سیاسی بررسی نمی‌کند؛ بلکه به روش توصیفی - تحلیلی، چگونگی بازتاب اخبار زنان در منابع تاریخی - جغرافیایی این سده با تأکید بر *أحسن التقاسیم* را پی گرفته است.

در این نوشتار، کوشیده‌ایم تا با روش تحلیل محتوا به کالبدشکافی این کتاب دست زده و با شکستن قالب‌های کلیشه‌ای گزارش‌های تاریخی، به مغز و جوهر کلام یا همان معارفی که اندیشه مورخ را شکل داده و در نوشته‌های او بازتاب یافته است، دست یابیم. در این راستا، شناخت عصری که نویسنده بدان تعلق داشته و توجه به ویژگی‌ها و مسائل خاص آن دوران نیز مهم می‌نماید.

۱. محمدبن احمد مقدسی

أحسن التقاسیم، حاصل سال‌ها سفر محمدبن احمد شمس‌الدین مقدسی، جغرافی‌دان قرن چهارم هجری، به بخش‌هایی از قلمروی اسلامی است. مؤلف، علاوه بر بخش مرکزی جهان اسلام، به فلسطین و خراسان نیز سفر کرده است و بیشتر نوشته‌هایش بر پایه

دیده‌های خود اوست؛ هرچند در گردآوری اطلاعات برخی نواحی، از منابع کتابخانه‌ها نیز سود جسته است.^۱

وی در علم جغرافیا، زوایای تازه‌ای گشود و به تعریفی جدید از جغرافیا در آن عصر همت گماشت. تعریف جغرافیا در این کتاب، به تعریف امروزی آن نزدیک شده و شامل: جغرافیای طبیعی، اقتصادی، اجتماعی و انسان‌شناسی است. مقدسی فقط به شرح کوه‌ها و بیابان‌ها و رودها و دریاها و ممالک اسلامی نپرداخته و افزون بر آن، فعالیت‌های اقتصادی، دینی و بازرگانی مردمان هر ناحیه، تفاوت‌های دینی و نژادی و جمعیتی و شکل ظاهری مردم هر منطقه را نیز شرح داده است.

او جهانگرد بزرگی بود که از تمامی نواحی اسلامی، به جز هند و اسپانیا، دیدن کرد. گزارش‌های وی در باره هوا، محصولات بازرگانی، سکه‌ها، وزن‌ها، مقادیر، آداب، رسوم، خراج و بیگاری‌های مرسوم در هر سرزمین، از جمله مهم‌ترین مسائل تاریخ فرهنگ مشرق‌زمین و سرزمین‌های اسلامی است. او را به‌حق می‌توان بزرگ‌ترین «جهانگرد مشرق‌زمین» نامید؛ چراکه معتقد بود جغرافیا از راه قیاس به‌دست نمی‌آید و باید آن را از طریق «مشاهده مستقیم» کسب کرد.^۲ اشپرنگر^۳ (د. ۱۸۹۳م) او را بزرگ‌ترین جغرافی‌دان تاریخ انسانی می‌داند.^۴ مقدسی، جهانگردی است که به‌واسطه تعلق او به جغرافیانویسی، سیاست‌زدگی در نوشتار او کم‌رنگ است و اطلاعات مردم‌شناسی مناسب‌تری نسبت به سایر آثار جغرافیایی این سده دارد.

۱. مقدسی، احسن التقاسیم، ترجمه: علی نقی منزوی، مقدمه، ص ۵ - ۶.

۲. ولادیمیر واسیلیویچ، ترکستان‌نامه، ترجمه: کریم کشاورز، ج ۱، ص ۵۵؛ قره‌چانلو، جغرافیای تاریخی کشورهای اسلامی، ج ۱، ص ۳۸؛ کراچکوفسکی، تاریخ‌نوشته‌های جغرافیایی در جهان اسلامی، ترجمه: ابوالقاسم پاینده، ص ۱۶۸.

۳. Aloys Sprenger، خاورشناس و ایران‌شناس اتریشی.

۴. قره‌چانلو، جغرافیای تاریخی کشورهای اسلامی، ج ۱، ص ۳۸.

۲. بافتار فرهنگی اجتماعی تألیف اثر

اگر نمونه‌های عینی و ملموس بودن را اساس تعیین و توصیف عوامل و عناصر تاریخ‌نگاری بدانیم، مواردی چون زمان و دوره تاریخی زندگانی مؤلف، مکان زندگی، دین و مذهب، پایگاه و منزلت اجتماعی و سیاسی و وابستگی یا وابستگی مورخ در نگارش اثر، بسیار تأثیرگذار است.^۱

قرن چهارم هجری که از آن به عصر رنسانس اسلامی تعبیر می‌شود، دوران شکوفایی تمدن اسلامی است. از آن سو، در این قرن شاهد منازعات شدید فکری و سیاسی نیز هستیم. ضعف قدرت مرکزی خلافت، اعلام استقلال برخی دولت‌ها و فراگیری جنبش‌ها و تبلیغات دینی معارض با قدرت مرکزی، از شاخصه‌های سیاسی این سده است.^۲

پدید آمدن دربارهای متعدد و رقابتی که در زمینه ارتقای علم و فرهنگ میان آنها پدید آمد، از عوامل رشد و گسترش علم و فرهنگ بود. هر امیری می‌کوشید تا مجالس دربار خود را به علما، ادبا و شعرا مزین کند؛ از این رو، به دلجویی از آنان می‌پرداخت و به آنها صله‌های پُرازشی می‌داد تا به ذکر مناقبش بپردازد.^۳ دولت‌های حاکم در سده چهارم، با درک این ضرورت و با اعطای آزادی‌های اجتماعی - البته به عنوان رهیافتی برای کسب مشروعیت و اعتبار خویش - موجبات بالندگی علوم در زمینه‌های مختلف را فراهم نمودند. تغییرات ایجادشده در عرصه‌های مختلف علمی، در این دوره نمود یافت و تاریخ‌نگاری این سده نیز شاهد رشد نسبی گردید. در این بین، مورخان مسلمان در نگارش تاریخ به ابداعاتی دست زدند. آنها به علل و عوامل وقایع تاریخی توجه نمودند. جریانی که بر مورخان اسلامی و تاریخ‌نگاری آنان تأثیر گذاشت، رویکرد عقلانی در این قرن بود. فلسفه

۱. محمدباقر آرام، اندیشه تاریخ‌نگاری عصر صفوی، ص ۴۸.

۲. ابن طقطقی، الفخری، ص ۳۷۸.

۳. محمدعلی چلونگر، تاریخ فاطمیان و حمدانیان، ص ۲۷۴.

و کلام نیز وارد میدان شده و با استدلال‌های عقلانی که برای نظرات خود ابراز می نمودند، دیگر علوم را به پیروی از این شیوه رهنمون کردند. مورخان اسلام نیز که از افکار کلامی و فلسفی به دور نبودند، خواه‌ناخواه این تفکرات را در تاریخ‌نگاری خویش انعکاس دادند. البته باید توجه نمود که میزان این اثرگذاری در بین مورخان به یک اندازه نبود. با این حال، مسلمانان در گزارش تاریخ، محصور در مبانی کلامی خود بودند؛ به این معنا که در هر گزارش تاریخی، تفکرات فرقه‌ای و کلامی آنها مشهود است. رابطه مشیت الهی با تاریخ، اختیار یا جبر و سایر تحولات فلسفی کلامی، مخرج مشترکی دارند و ما شاهد یک اشتراک پارادایمی و کلی بر تاریخ‌نگاری مسلمانان هستیم.

در این سده، به دلیل ناهنجاری‌های سیاسی جامعه و گرایش‌های فرقه‌ای متعدد و افکار جدید ناشی از تأثیر نهضت ترجمه، اوضاع فکری و مذهبی پیچیده‌ای پیدا کرده بود. بر اثر ضعف دستگاه خلافت عباسی و جنگ داخلی و قدرت گرفتن رهبران فرقه‌های مذهبی، نوعی فضای باز سیاسی به وجود آمده بود و جامعه از نظر فکری و سیاسی، از تعدد و فراوانی فرقه‌ای و مذهبی برخوردار بود. مقدسی، خود از کشمکش‌های بین پیروان مذاهب مختلف، گزارش می‌دهد.^۱

از دیگر ویژگی‌های فکری و فرهنگی سده چهارم، انسان‌گرایی اسلامی است.^۲ در این برهه تاریخی، شاهد بالندگی مقام فرد و شخصیت او در برابر جامعه و گسترش خودآگاهی اعضای جامعه هستیم. فرادستان و فرودستان جامعه، انگیزه‌هایی قوی برای دستیابی به شهرت و ترقی داشتند. تلاش برای دستیابی به مزیت‌های اجتماعی، ناگزیر منتهی به رقابت میان نخبگان می‌شد. این تلاش، برای شناساندن فضیلت خویش بر دیگران به صورت انگیزه‌ای برای خودآگاهی و خودآفرینی درآمد و این، به معنای مرزبندی دقیق

۱. مقدسی، احسن التقاسیم، ص ۳۳۶ و ۴۱۷.

۲. کرمر، احیای فرهنگی در عهد آل بویه، ترجمه: محمدسعید حنایی کاشانی، ص ۴۳ و ۴۷.

میان خود شخص و دیگران و در نهایت رواج فردگرایی بود.^۱ حال، سؤال این است در عصر انسان‌گرایی اسلامی، جایگاه زن چگونه است؟ و منابع تاریخی و جغرافیایی این سده، چه تصویری از زن نشان می‌دهند؟

یادکرد این نکته، بجاست که گفتمان یکنواختی در باب زنان در تمام قلمروی اسلامی حکم‌فرما نیست. اگرچه رویکرد سنتی به زن در آثار مورخان این سده وجود دارد، اما فربهی مطالب در موضوع زنان در این آثار، گوناگون است. در غرب و شرق خلافت اسلامی، رویکرد به زن تا حدودی متفاوت بوده و جایگاه و حضور زنان در منابع غرب قلمروی اسلامی پُررنگ می‌نماید. از آن دست، می‌توان به آثار ابن حزم اندلسی و ابن عربی اشاره کرد.^۲

۳. اخبار زنان در منابع جغرافیایی سده چهارم

از مهم‌ترین منابع جغرافیایی سده چهارم، می‌توان به ۷ اثر به‌جای‌مانده اشاره کرد. گفتنی است که در این بخش، به تواریخ محلی و آثاری که به شهرهای خاصی اختصاص یافته، اشاره نشده است.

آکام المرجان فی ذکر المدائن المشهوره فی کل مکان، اثر اسحاق بن حسین منجم (بی‌تا)، از جمله آثار جغرافیایی این سده است. این کتاب، به معرفی شهرهایی چون: مکه، مدینه، بیت‌المقدس، بغداد، عراق، جزیره العرب، فلسطین، ایران، ماوراءالنهر، مصر، مغرب، اندلس، رم، قسطنطنیه و غیره و بیان موقعیت جغرافیایی آنها می‌پردازد. توصیف‌ها، بسیار مختصر و غالباً به تعیین محل جغرافیایی شهر می‌پردازد. گاهی از فتح شهری سخن

۱. همان، ص ۴۳ - ۴۴.

۲. عبدالله ناصری، «منزلت زن در اندیشه‌های ابن عربی»، مجموعه مقالات زن در تاریخ اسلام،

می‌رود و اطلاعاتی کوتاه از جغرافیای طبیعی و سیاسی می‌دهد. اطلاعات نژادشناختی این کتاب نیز بسیار کم است. نویسنده در شش گزارش، به موضوع زنان پرداخته و در آن به استفاده زنان برخی مناطق چون سودان و هند از جواهرات و نوع پوشش زنان سودان،^۱ گزارشی کوتاه از چگونگی انتخاب همسر در منطقه خزر^۲ و شغل زنان در شهر مارب^۳ اشاره دارد.

عجائب الاقالیم السبعه الی نهائیه العماره، نوشته نویسنده‌ای ناشناخته به نام سهراب (ابن سربایون) (م. ۳۳۴ق)، کتاب دیگری در مورد جغرافیای تاریخی شهرهاست. در سراسر این کتاب، همه اعلام جغرافیایی با ذکر طول و عرض جغرافیایی آنها مشخص شده و دربردارنده این ویژگی است که می‌توان موقعیت دقیق مکان‌ها را هم اکنون نیز مشخص کرده و ابهام‌ها و اشکال‌های متعددی را که در کتب جغرافیایی قدیم برای تشخیص موقعیت شهرها و آبادی‌ها وجود داشته، حل کرد. با توجه به ساختار کتاب، نویسنده گزارشی از اوضاع اجتماعی و نژادی نمی‌دهد و اخبار زنان در این کتاب، جز اسامی برخی از رودها^۴ نمودی ندارد.

ابواسحاق ابراهیم بن محمد فارسی اصطخری (م. ۳۴۶ق) در *المسالك والممالک*، دیگر منبع جغرافیای این سده، تنها به توصیف جهان اسلام پرداخته و پس از ذکر اطلاعات عمومی پیرامون «ربع مسکون» و مساحت سرزمین‌ها، وضع دریاها را به شرح آورده و به صورتی مشروح، به ذکر مختصات مناطق اسلامی عصر خویش پرداخته است. اصطخری نیز گزارش محدودی از زندگی اجتماعی مردم داشته و جز با نام بردن از قبور همسران

۱. منجم، *آکام المرجان*، ص ۱۰۳، ۱۰۴ و ۱۲۱.

۲. همان، ص ۱۲۳.

۳. همان، ص ۵۱.

۴. ابن سربایون، *عجائب الأقالیم السبعه*، ص ۱۸۷.

انبیا در بیت المقدس^۱ و گزارش کوتاهی از عقاید مجوسیان در تطهیر زنی که مرتکب زنا شده،^۲ اخبار زنان در آن بازتاب نداشته است. تذکر این نکته ضروری است که ابوعبیدالله بکری (د. ۴۷۸ق)، صاحب *المسالک و الممالک* در سده پنجم به صورت مفصل به اخبار اجتماعی مردم، به ویژه زنان پرداخته و اخبار تمدنی و اجتماعی در آن هویدا است.

از دیگر منابع جغرافیایی سده چهارم هجری، کتاب *البلدان* اثر ابوبکر احمد بن محمد بن اسحاق، معروف به ابن فقیه همدانی (م. ۳۶۵ق) است که به معرفی و تشریح شهرهای بزرگ دنیا پرداخته است. ابن فقیه در مقایسه با منابع اشاره شده، توجه بیشتری به اخبار زنان دارد. وی که به عجایب نگاری نیز شهره است، در پی بیان چگونگی ساخت مناره «سنب نشان» به ازدواج شاپور بن اردشیر اشاره دارد.^۳ به زیبایی شناختی زن پرداخته و از عشق پادشاه به کنیز سخن می گوید^۴ و عشق دیوانه وار مرد به زنی را بازتاب می دهد که برای شادکامی خویش، تصویری از آن را به نقش در آورده، به تماشا می نشست.^۵ از سکینه بنت الحسین نام می برد و به زنان برجسته مصری همچون آسیه و هاجر اشاره دارد.^۶ ابن فقیه، از فساد اخلاقی در جامعه بی خبر نیست و از رواج زنا و همجنس بازی در برخی مناطق عراق سخن می گوید.^۷ به پادشاهی زن در یمن و هند

۱. اصطخری، *المسالک و الممالک*، ص ۴۴.

۲. همان، ص ۷۴.

۳. ابن فقیه، *البلدان*، ص ۵۱۹.

۴. همان، ص ۵۲۲.

۵. همان، ص ۱۸۰.

۶. همان، ص ۱۱۷ و ۲۲۴.

۷. همان، ص ۳۶۱.

اشاره داشته^۱ و از شجاعت و جنگجویی زنان ترک سخن می‌راند.^۲ او پا را فراتر گذاشته و حتی به فرق زنان مناطق مختلف اشاره دارد و در پی آن، بین زنان مصری و خراسانی تفاوت قائل شده و می‌نویسد زنان خراسانی، پسرزا و زنان مصری دخترزا هستند.^۳

صورة الأرض یا همان المسالك والممالك، اثر ابوالقاسم محمدبن حوقل نصیبی (م. پس از ۳۶۷ق)، دیگر منبع جغرافیایی این سده است. از ویژگی‌های این کتاب، نکته‌های اقتصادی است که کاملاً تازه و ابتکاری بیان شده است. ابن حوقل که نتیجه مشاهدات و تجربیات شخصی خود را نگاشت و به شرح شهرهای مختلف می‌پردازد، اما به تعداد انگشتان دو دست، گزارشی از اخبار زنان به دست می‌دهد که غالب آن، به بناهای ساخته شده از سوی زنان است.^۴ وی در توصیف ناحیه حبشه، از پادشاه زن آن نام می‌برد^۵ و از نقاشی تصویر همسر کسری در غاری از منطقه جبال گزارش می‌دهد^۶ و در بیان نژاد قبلی، به زنان مشهوری که از این نژاد بودند، همچون: آسیه، ماریه قبطیه و هاجر، اشاره دارد.^۷

حدود العالم من المشرق الی المغرب، دیگر کتابی است در باره جغرافیای عمومی که در سال ۳۷۲ قمری تألیف شده و مؤلف آن، ناشناخته است. این کتاب، از لحاظ رعایت ترتیب منطقی و علمی، به شکل بسیار اصولی نگارش یافته و دارای اطلاعات باارزشی چون:

۱. همان، ص ۷۲ و ۹۸.

۲. همان، ص ۶۴۷.

۳. همان، ص ۱۲۸.

۴. ابن حوقل، صورة الأرض، ج ۱، ص ۱۴۷ و ۲۳۷.

۵. همان، ص ۵۹.

۶. همان، ج ۲، ص ۳۷۲.

۷. همان، ج ۱، ص ۱۶۱.

تقسیم کوه‌ها، دریاها و شهرها؛ دربرداشتن اطلاعات گسترده از محصولات و تولیدات هر منطقه؛ شناساندن حیوانات و گیاهان هر ناحیه؛ اطلاعاتی در مورد وضع مالی و اقتصادی هر ناحیه و اخباری در باره رسوم و عادات و مذهب و زبان مناطق مختلف است.^۱ نویسنده کتاب، در بخش‌های مختلف به بیان اوصاف مردم شهرها می‌پردازد؛ ولی تکیه اصلی او، بر اوصاف مردان جامعه است و عباراتی مانند: مردان جنگی و تیرانداز، جوانمردپیشه و سخن‌دان و از دیگرسو، با اوصاف منفی چون دزدپیشه و...، به توصیف آنان می‌پردازد؛ ولی بخش کوتاهی از این کتاب، به اوصاف و اخبار زنان اختصاص یافته است. فربه‌ترین گزارش مؤلف از این موضوع، به زندگی اجتماعی زنان منطقه دیلم و شهر پریم^۲ اختصاص دارد که به فضای باز جامعه و حضور زنان آراسته در بازار و ارتباط دختران و پسران با یکدیگر اشاره می‌کند.^۳ در ادامه، از شغل زنان گیلانی نام می‌برد؛ از جمله اینکه کار کشاورزی، بر عهده آنان است.^۴

۱. شاه‌علی اکبر شهرستانی، مقایسه اسلوب جغرافیه‌نگاری حدودالعالم با جغرافیه‌نگاری‌های مماثل و معاصر آن، ص ۸ - ۹.

۲. فریم یا پریم، شهر کوچکی بود با حصار آجری شبیه به قلعه، واقع در جلگه موسوم به پریم، جنب رودخانه اشک. قسمت شمال شرقی آن محل، اکنون معروف است به شهر دشت، و هنوز آثاری در آنجا هست و این شهر، چنان‌که یاقوت حموی می‌نویسد، در سال ۶۰۰ هجری قمری مسکون بوده. فریم، شامل دو محل بوده؛ جبال دیلم و ناحیه وسیع حوالی ساری. حدود شمالی و غربی فریم، دشت مازندران و سوادکوه و حدود شرقی و جنوبی آن، سلسله‌ای از کوه البرز که از بنافت تا فریم و رودخانه سعیدآباد امتداد داشته و این رودخانه، مرز آن با هزارجریب بوده است.

(ر.ک: مازندران و استرآباد، ترجمه: غلامعلی وحید مازندرانی، ص ۸۹)

۳. بی‌نا، حدود العالم، ص ۱۴۷.

۴. همان، ص ۱۴۹.

نویسنده *حدود العالم* در ادامه نیز گزارش‌هایی چون: حجاب زنان منطقه حران^۱، پادشاهی یک زن در اورشفین^۲، موقوفات زبیده خانم^۳ در بغراس شام^۴ و فساد اخلاقی در هند^۵ آورده است.

از دیگر آثار جغرافیایی سده چهارم، *الکتاب العزیزی او المسالک والممالک* اثر حسن بن احمد مهلبی (م. ۳۸۰ق) است که از خلال کتاب می‌توان به وضعیت تاریخی اجتماعی و ترکیب جمعیتی مرزهای شمالی قلمرو اسلامی قبل از سقوط این منطقه به دست بیزانسی‌ها و چه بسا عواملی که زمینه‌ساز این شکست و هزیمت بودند، آگاه شد. مهلبی نیز در کتاب خود، گزارش‌های محدودی از زنان به دست می‌دهد که مهم‌ترین آن، خبری است که از شهر قصر شیرین در کرمانشاه ارائه می‌کند. شیرین، نام همسر کسری است.^۶ همان‌طور که ذکر شد، غالب این منابع، به بررسی جغرافیای طبیعی پرداخته و اخبار اجتماعی و به‌ویژه اخبار زنان، در این منابع، کمتر تبلور یافته است. در این میان، *البلدان* ابن فقیه استثاست که آن نیز به سبک نگارشی و تدوین آن برمی‌گردد.

۴. أحسن التقاسیم و زنان

مقدسی در بیست گزارش، از زن و مباحث مربوط به آن سخن می‌گوید که نسبت به حجم کتاب، نشان از کم‌توجهی وی به مسائل زنان است؛ هرچند وی در مقایسه با سایر

۱. همان، ص ۲۱۱.

۲. همان، ص ۶۶. منطقه‌ای در هند.

۳. همسر هارون الرشید.

۴. بی‌نا، *حدود العالم*، ص ۱۷۲.

۵. همان، ص ۶۴، ۶۵ و ۶۷.

۶. مهلبی، *الکتاب العزیزی*، ص ۱۱۴.

جغرافی‌نویسان این سده، نگاه مناسب‌تری به شرح حوادث مربوط به این حوزه دارد. با وجود سفر طولانی وی به شهرهای مختلف اسلامی، به شرح آداب و رسوم ازدواج و جشن‌های مناطق کم‌توجه بوده و در گزارش‌های محدودی بدان پرداخته است.

ذکر این نکته بجاست که مقدسی، از نگاه دینی به زندگی اجتماعی مردم پرداخته و سعی در قضاوت اعمال و رفتار آنان دارد؛ چراکه در یکی از بخش‌های مهم و پرتکرار کتاب، با عنوان «خوبی‌ها و بدی‌های شهر»، به قضاوت می‌نشیند. به فساد اخلاقی و ناهنجاری‌های اجتماعی اشاره کرده و از آثار آن بر زندگی مردم می‌گوید و نگاه آرمانی خود به زن و جامعه را در پس قضاوت خویش بیان می‌کند.

مهم‌ترین موضوعات طرح شده در این کتاب در باب زنان، عبارت‌اند از: ازدواج، زن در ساحت اجتماع و فساد اخلاقی. ذکر این نکته، شایسته است که چگونگی پردازش موضوع، اجمال یا مفصل بودن گزارش و بیان جزئیات واقعه، به شناخت گفتمان مؤلف کمک شایانی می‌کند.

۴-۱. ازدواج

ازدواج یا پیوند زناشویی، از مسائلی است که مقدسی بدان اشاره دارد. ازدواج‌های مذکور در *احسن التقاسیم* جنبه سیاسی ندارد و فقط به شرح ماجرا می‌پردازد. وی گزارشی از ازدواج‌های سیاسی بیان نمی‌کند و نگاه ویژه‌ای به طبقه فرودستان دارد. نکته شایان توجه، عدم پرداختن مقدسی به زنان درباری و حرمسراهاست؛ با اینکه وی سفرهای بسیاری به شهرهای مختلف داشته و از حکومت‌های گوناگون دیدن کرده است.

مقدسی در گذر از شهرهای مختلف، آداب و رسوم جشن ازدواج و مراسم خواستگاری منطقه دیلم را مورد توجه قرار می‌دهد. اینکه چرا وی در میان اقالیم مختلف، به آداب و رسوم این منطقه در امر ازدواج اشاره می‌کند، شاید به واسطه تعلق خاطر نویسنده به

آن باشد؛ زیرا ریشه خاندان مادری او، به منطقه پیر، از مناطق دیلم است.^۱ وی توصیف منطقه دیلم را با شرح بیشتری بیان می‌کند. نویسنده در شرح آن، به ویژگی خاص این منطقه در مراسم ازدواج اشاره می‌نماید که ازدواج درون‌خاندانی و منطقه‌ای است؛ به طوری که آنان به بیگانه زن نمی‌دهند. مقدسی به خاطره‌ای از خود در منطقه دیلمان می‌پردازد که در آن، دختری در حال فرار از دست پدری است که با شمشیر به دنبال او بود. وقتی علت را جویا شد، «گفت: او با بیگانه [نادیلمی] همسر شده است! و نزد ما کشتن چنین کس، واجب باشد.»^۲

وی در ادامه، به مراسم خواستگاری این منطقه نیز اشاره کرده که رسم خاصی در این مراسم داشتند. هرگاه پسری خواهان دختر می‌شد، با وی می‌رود. پس، خانواده دختر از پسر پذیرایی می‌کنند و گرمی‌اش می‌دارند و اگر او کرم ایشان را پذیرفت، سه روز میهمانش کنند. سپس، برای مراسم عروسی اطلاع‌رسانی می‌کنند. و این، پس از آن است که او یک هفته با دختر در خانه‌اش تنها می‌ماند و برنامه‌ریزی می‌نمایند. وی جواز با هم بودن دختر و پسر را مراسم عقد معرفی می‌کند؛ به طوری که اگر قبل از عقد به هم برسند، حکم قتل داماد صادر می‌شود.^۳

وی از مراسم جشن عروسی مردم بیار^۴ یاد کرده و چون خود در مراسم و مهمانی‌های آنان شرکت می‌کرد، به زیبایی به جزئیات آن اشاره می‌کند. «مردم در آغاز تاریکی شب،

۱. مقدسی، احسن التقاسیم، ص ۳۵۷.

۲. همان، ص ۳۶۸-۳۶۹.

۳. همان، ص ۳۶۹.

۴. شهری در همسایگی شاهرود، و از مناطق دیلم که جدّ مادری مقدسی به این منطقه منسوب است. یاقوت حموی، بیار را شهری در قومس بین بسطام و بیهق ضبط کرده است. (حموی، معجم

البلدان، ج ۱، ص ۵۱۷)

گرد می‌آیند و هریک، شیشه‌ای گلاب همراه می‌آورد. پس، دم در خانه داماد و عروس آتش می‌افروزند. پس، برخی بزرگ‌تران به زبان رسا سخن می‌رانند و از دو همسر یاد کند و دختر را می‌خواهد. سپس، یک تن از خانواده عروس پاسخی سنجیده می‌گوید. در آنجا بیشترشان سخن‌دان و ادیب هستند. سپس، عقد همسری می‌خوانند. پس، شیشه‌داران برخاسته شیشه‌ها را بر دیوارها می‌زنند. پس، به هریک از شیشه‌داران یک بشقاب افروشه^۱ می‌دهند. افروشه ایشان، در جهان بی‌مانند است.^۲

۲-۴. روابط زن و مرد (فساد اخلاقی)

فساد اخلاقی، یک پدیده شوم و ضدّ بشری است که در طول تاریخ، به اشکال و شیوه‌های مختلف دامنگیر جوامع انسانی شده و صدمات و زیان‌های جبران‌ناپذیری را متوجه جامعه نموده است. مقدسی در سیر و سفر خویش، به پیدایش فساد اخلاقی در برخی مناطق اشاره کرده و در پی آن، به آثار ویران‌کننده فساد می‌پردازد. وی از نگاه یک معلم اخلاق به این موضوع می‌نگرد و گاهی شرمساری خویش را نیز آشکار می‌سازد. در وصف مردم یمن و عدن، به آشکار بودن زنا و بی‌نزاکتی آنان اشاره می‌نماید.^۳ در بازدید از اهواز، نارضایتی خویش از آشکار بودن فاحشه‌خانه را مخفی نمی‌کند و مردم آن را این‌گونه

۱. نام حلویی است و آن چنان باشد که آرد و روغن را با هم پیامیزند و بمالند تا دانه‌دانه گردد. آنگاه در پاتیلی کنند و غسل در آن بریزند و بر بالای آتش نهند تا نیک بیزد و سخت شود. بعضی گویند: نان خورشی است در گیلان، و آن چنان باشد که زرده تخم مرغ را در شیر خام ریزند و نیک بر هم زنند و بر بالای آتش نهند تا شیر مانند دلمه بسته شود. بعد از آن، شیرینی داخل آن سازند و نان را در آن تریپ کنند یا خشکه پلاو در آن ریزند و با قاشق خورند. (ر.ک: دهخدا، لغت‌نامه، ذیل کلمه «افروشه»)

۲. مقدسی، *أحسن التقاسیم*، ص ۳۶۹ - ۳۷۰.

۳. همان، ص ۱۰۳.

وصف می‌کند: «نه همراهی خوب در سفر، و نه همسایه‌ای خوب در شهرند. آبشان در تابستان جوش، و خانه‌هایشان پزنده است. همچون دیو سخن گویند و فاحشه‌خانه آشکار دارند.»^۱

نویسنده/حسن‌التقاسیم در توصیف شهر سیراف و قصبه (اردشیر خرّه)، به‌نکویی از آن یاد می‌کند. «مردمش به هنگام آباد کردن آن را از «بصره» برتر می‌نهادند؛ زیرا که ساختمان‌هایش استوار، جامعش زیبا، بازارهایش درست، مردمش دارا، نامش بلندآوازه است...» در ادامه، به ویرانی این منطقه پس از پیروزی دیلمیان و زلزله‌ای که سبب تخریب منازل مردم و گریختن آنان به دریا شده، اشاره دارد. وی علت این حادثه را گناه و فساد اخلاقی مردان و زنان می‌داند که این مسئله در زمان بازدید او از این منطقه رواج داشت.^۲ در وصف شیراز نیز به وجود فاحشه‌خانه‌ها اشاره دارد که با جواز رسمی آشکار و پذیرفته شده‌اند و «مردم همانند گرمابه بدانجا آمدوشد دارند.»^۳ وی رواج زنا و فساد در منطقه کرمان را نیز بیان می‌کند.^۴

مقدسی در بیان اقلیم سند، به بت‌پرستی مردمان آن پرداخته و در ادامه، به رواج زنا در میان آنان تأکید دارد؛ تا آنجا که کارمندان بت‌خانه‌ها از درآمد زناخانه و موقوفات بسیار آن، زندگی می‌کنند و کسی که دختر خویش را بیشتر گرامی دارد، او را برای آن خانه وقف می‌کند.^۵

۱. همان، ص ۴۰۳.

۲. همان، ص ۴۲۶ - ۴۲۷.

۳. همان، ص ۴۴۱.

۴. همان، ص ۴۲۰.

۵. همان، ص ۴۸۳.

۳-۴. زن در ساحت اقتصاد

نویسنده *أحسن التقاسیم* در چند گزارش، از حضور زنان در بازار، مراسم‌ها و تماشای مسابقات ورزشی سخن می‌گوید. در این گزارش‌ها، به آداب و رسوم برخی از مراسم نیز اشاره دارد. وی از حضور زنان منطقه دیلم در شب‌هنگام گزارش می‌دهد و از اینکه زنان در روز در بازار نبوده، ابراز خرسندی نموده؛ ولی از سوی دیگر، با فروشندگی زنان حتی در منزل خود، مخالفت خویش را ابراز می‌کند.^۱ سپس، به فضای بسته فکری مردم اشاره دارد که «زنی که شوهرش بمیرد، شوهر نمی‌کند و اگر کرد، کودکان [گرد آیند و] سنگ به در خانه‌اش پرتاب می‌کنند.»^۲

مقدسی اهتمام به نقش آفرینی سیاسی زنان نیز دارد و پادشاهی یک زن در جزایر تنگه هرمز را یادآور می‌شود.^۳ «پادشاهی از عرب دارد. گویند یک هزار و هفتصد جزیره است که پادشاه‌شان یک زن است.»^۴

وی به شغل برخی از زنان نیز اشاره دارد؛ به عنوان نمونه، شغل برخی از زنان منطقه بَصَنّا^۵ را که فرش‌بافی و پشم‌ریسی بود، بیان می‌کند.^۶

حضور اجتماعی زنان در شیراز را پُررنگ‌تر نشان داده و حتی از نگرهبانی زنان از گرمابه‌ها در این شهر همچون اصفهان، گزارش می‌دهد؛^۷ هرچند از آن خرسند نیست.

۱. همان، ص ۳۷۰.

۲. همان.

۳. همان، ص ۱۳.

۴. همان، ص ۱۳.

۵. همان، ص ۴۰۸. نام شهری در جنوب شوش خوزستان است.

۶. همان.

۷. همان، ص ۴۴۰.

۴-۳-۱. مشارکت در امور عام المنفعه

مقدسی، زنانی را که بانی ساخت مسجد یا اماکن دیگری بودند، معرفی می‌کند و از جمیله (د. ۳۷۳ق)، دختر ناصر الدوله^۱ که در حومه موصل مسجد یونس، و در نینوا مسجد و خانه‌هایی برای زائران بنا کرد، نام می‌برد که موقوفاتی برایش نهاده است.^۲ همچنین، از مسجدی که خانمی به نام امّ المغربی در فسطاط ساخته است، یاد می‌نماید.^۳

۴-۳-۲. سرگرمی زنان

اما بی‌تردید، جالب‌ترین گزارش از حضور اجتماعی زنان را به منطقه دیلم منتسب می‌دارد؛ آنجا که می‌نویسد زنان پس از پایان بازارهای هفتگی به همراه مردان به جایگاه مسابقات کشتی می‌روند و از نزدیک به تماشای مسابقات می‌پردازند. این گزارش، از فضای بازی که برای حضور زنان در اجتماع وجود داشته، حکایت می‌کند. این امر، نشان می‌دهد برخلاف افرادی که می‌پندارند زنان در خانه محبوس بودند، زنان با منعی جهت حضور در اجتماع مواجه نبودند؛ بلکه برای گذران اوقات فراغت، امکان حضور در مسابقاتی که برگزار می‌گردید، برای آنان فراهم بود. این آزادی زنان و ساده‌گیری و تساهل اسلامی قرن چهارم هجری حکومت‌های مستقر در ایران، در برخی منابع جغرافیایی هم‌عصر مقدسی همچون *صورة الأرض* نیز گزارش شده است. ابن حوقل (د. پس از ۳۶۷ق)، در گزارش خود از «حصار کرینه» در ساحل زاینده‌رود و مردم ساکن آن که در خوشگذرانی آزادند و اینکه «کسی ایشان را باز نمی‌دارد»، سخن به میان می‌آورد.^۴

۱. ناصرالدوله (د. ۳۵۸ق)، اولین امیر حمدانی موصل.

۲. همان، ص ۱۴۶.

۳. همان، ص ۱۹۹.

۴. ابن حوقل، *صورة الأرض*، ص ۱۰۷.

در بیان منطقه آرگان^۱ نیز به آوازه‌خوانی زنان اشاره داشته، خوش‌آواز بودن آنان را بیان می‌کند.^۲

۵. تگرش آرمانی مؤلف به زن

مقدسی در ورای گزارش‌های خود از زنان، در پی نگاه آرمانی خویش به زن است و به دنبال آن، ویژگی‌های زن آرمانی را بیان می‌کند.

۵-۱. عفاف و وفاداری

یکی از ویژگی‌های مهمی که مقدسی برای زن روا می‌دارد، عفاف و خویشتنداری است. محل ظهور عمده آن، داوری‌هایی است که مقدسی در برخی از شهرها انجام می‌دهد. وی حضور زن در بازار را روا نمی‌بیند و از نقاط مثبت یک شهر، به عدم فروشنده بودن زنان در بازار اشاره می‌نماید. پوشش زنان نیز از جمله مسائلی است که توجه وی را به خود جلب کرده است. همچنین، فساد اخلاقی و روابط نامشروع در شهرها را شرح داده و آن را از عوامل ویرانی و خشکسالی در شهرها و مناطق مختلف می‌داند. وی از عیوب شهر اصفهان را نگهبانی زنان از گرمابه‌ها می‌داند و آن را روا نمی‌دارد.^۳

مقدسی در این زمینه دچار تناقض می‌شود. وی در آنجا که به منطقه فسطاط می‌پردازد، به خوشی زندگی مردم اشاره دارد و از شیرینی و فراوانی آب آنجا می‌گوید؛ چنان‌که می‌نویسد: «فسطاط، انبار مغرب و بارانداز مشرق، رونق‌بخش حج است. در میان شهرها، پُرجمعیت‌تر از آن نیست. پُر از پیران بزرگوار است. تجارتخانه‌های شگفت و بازارها با درآمدهای نیکو دارد، گرمابه‌هایش برترین می‌باشد. همیشه میوه‌های شام و

۱. نام شهری باستانی در نزدیکی بهمان کنونی است.

۲. مقدسی، *أحسن التقاسیم*، ص ۴۲۵.

۳. همان، ص ۳۹۹.

مغرب بدانجا می‌آید و منافع از عراق و مشرق بدانجا کشیده می‌شود. کشتی‌ها از چین و روم به آنجا می‌آیند، بازرگانی شگفت‌انگیز و درآمد نیکو و دارایی بسیار دارد. از آبش شیرین‌تر و از مردمش سربه‌زیرتر در جایی نیست... و پُربرکت‌تر از رودخانه آن، نیست.»

ولی در ادامه، برای اینکه آثار فساد اخلاقی در این منطقه را بیان کند، از کدر و چرکین بودن آب و خشکسالی آن می‌گوید: «در خانه‌هایش متعفن و پُرشه و کثیف و رنج‌آور است، میوه‌اش اندک، آبش کدر، چاه‌ها چرکین، خانه‌ها کثیف پُرکنه، بدبو، بیماری‌گری فراوان است، گوشت اندک، آداب و رسوم وحشتناک، همیشه در تهدید خشکسالی و کاهش رودخانه و انتظار بلا و خانه‌بدوشی هستند. نه پیران ایشان از باده‌گساری می‌پرهیزند و نه زنانشان از تردامنی، یک زن دو شوهر گیرد و پیرانشان مست شوند و در مذهب، دو دستگی دارند؛ با شب‌نشینی و بددهنی‌هایش.»^۱

از سوی دیگر، از شهرها و مناطقی که عفاف را رعایت کرده و از فساد اخلاقی به دور هستند، به‌نکویی یاد کرده و شهر را پُر از نعمت و سُرور معرفی می‌کند. وی در معرفی منطقه مُلتان^۲ می‌گوید: «مانند «منصوره»، ولی آبادتر است... زنا و می‌گساری ندارند و هرگاه کسی را ببابند که انجام می‌دهد، او را خواهند کشت یا حد می‌زنند. ایشان [در] خرید و فروش دروغ نمی‌گویند با ترازو و کیل کم‌فروشی نمی‌کنند، غریب‌دوست هستند. اکثریت مردم، عرب هستند، از نه‌ری پُر آب می‌آشامند، برکت بسیار است، بازرگانی سودآور، نعمت فراوان است... در بازار، زن آراسته یافت نمی‌شود، کسی آشکارا با زنان گفت‌وگو نمی‌کند، آب گوارا، زندگی شیرین است، خوش‌زبانی و مردانگی و فارسی فهمیدنی...»^۳

۱. همان، ص ۱۹۵ - ۲۰۰.

۲. همان، ص ۴۸۰. ناحیه‌ای در هند قدیم و پاکستان کنونی است.

۳. همان.

۲-۵. حضور هوشمندانه در ساحت سیاست و اجتماع

مقدسی که در توصیف برخی شهرها، از حضور زنان در بازار و یا شاغل بودن آنان در شغل‌هایی که با ساختار وجودی زنان ناسازگار است، همچون نگهبانی گرمابه‌ها، ناخرسند است؛ اما مخالفت کلی با حضور زنان در عرصه اجتماعی ندارد. وی به زنانی اشاره دارد که در کارهای عام‌المنفعه شرکت داشتند و بناهای مختلفی را تأسیس کردند. همچنین، از زنانی نام می‌برد که سبب نجات قوم خویش از بیگانگان شدند. یکی از این زنان، زنی از اهالی مروشاهجان است؛ به طوری که وی با مذاکره با مأمون (۱۹۸-۲۱۸ق)، سبب نجات این شهر از تصرف بیگانگان شد. مقدسی، از او به نیکی یاد می‌کند.^۱

نتیجه

مقدسی در بیست گزارش، از زن و مباحث مربوط به آن سخن می‌گوید که نسبت به حجم کتاب، نشان از کم‌توجهی وی به مسائل زنان است؛ هرچند وی در مقایسه با سایر جغرافی‌نویسان این سده، نگاه مناسب‌تری به شرح حوادث مربوط به زنان دارد. مهم‌ترین موضوعاتی که در گزارش‌های مقدسی از زنان آمده است، عبارت‌اند از: زن در ساحت اجتماع، ازدواج و فساد اخلاقی. وی به اخبار سیاسی زن و زنان درباری پرداخته و توجه ویژه‌ای به زنان فرودست دارد.

مقدسی، از نگاه دینی به زندگی اجتماعی مردم پرداخته و سعی در قضاوت اعمال و رفتار آنان دارد؛ چراکه در یکی از بخش‌های مهم و پرتکرار کتاب، با عنوان «خوبی‌ها و بدی‌های شهر»، به قضاوت می‌نشیند. به فساد اخلاقی و ناهنجاری‌های اجتماعی اشاره کرده و از آثار آن بر زندگی مردم می‌گوید و نگاه آرمانی خود به زن و جامعه را در پس قضاوت خویش بیان می‌کند. نگاه آرمانی مؤلف به زنان، در: حجاب و پوشش، سلامت رفتار اخلاقی و حضور هوشمندانه در اجتماع است.

۱. همان، ص ۲۹۹.

مؤلفِ *أحسن التقاسیم* در پی گزارش‌های خود از آزادی زنان نیز سخن می‌گوید و برخلاف کسانی که معتقد به محبوس بودن زنان در خانه هستند، از حضور اجتماعی زنان گزارش می‌دهد؛ تا آنجا که برای گذران اوقات فراغت، امکان حضور در مسابقاتی که برگزار می‌گردید، برای آنان فراهم بود. از دیگر نکاتی که در نوع نگاه مؤلف به موضوع زنان وجود دارد، کلی‌گویی او در مورد زن است و اینکه او ویژگی‌های بخشی از جامعه زنان را به همه زنان تعمیم داده و در داوری‌اش از واژه‌هایی چون «همه» و «تمام» استفاده کرده است.



منابع

۱. آدام متز، ۱۳۶۲، تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری، ترجمه: علیرضا ذکاوتی قراگزلو، تهران، امیرکبیر.
۲. احمدی، زهت، ۱۳۹۲، مجموعه مقالات سمینار زن در تاریخ اسلام، تهران، کویر.
۳. آرام، محمدباقر، ۱۳۸۶، اندیشه تاریخ‌نگاری عصر صفوی، چاپ دوم، تهران، امیرکبیر.
۴. ابودلف، مسعود بن المهلهل الخزر جی الینبوعی، ۱۳۴۲، سفرنامه ابودلف در ایران، تعلیقات و تحقیقات: ولادیمیر مینورسکی، ترجمه: سید ابوالفضل طباطبایی، تهران، فرهنگ ایران زمین.
۵. احمد، لیلا، ۱۳۹۴، زنان و جنسیت در اسلام، ترجمه: فاطمه صادقی، تهران، نشر نگاه معاصر.
۶. ابن حوقل، ابوالقاسم، ۱۳۶۶، سفرنامه ایران در صورة الأرض، ترجمه و توضیح: جعفر شعار، تهران، امیرکبیر.
۷. ابن خردادبه، ابوالقاسم عبیدالله بن عبدالله، ۱۳۷۰، مسالک و ممالک، ترجمه: حسین قره‌چانلو، تهران، نو.
۸. ابن رسته، ابوعلی احمد بن عمر، ۱۳۷۰، الاغلاق النفسیة، ترجمه و تحقیق: حسین قره‌چانلو، تهران، نو.
۹. ابن سراجیون (سهراب)، ۱۳۴۷ق، عجائب الأقالیم السبعة إلى نهاية العمارة، محقق و مصحح: هانس فون مژیک، وین، مطبعة آدولف هولز هوزن.
۱۰. ابن طباطبا، محمد بن علی (ابن الطقطقی)، ۱۴۱۸ق، الفخری فی الآداب السلطانیة والدول الاسلامیة، تحقیق: عبدالقادر محمد مایو، چاپ اول، بیروت، دار القلم العربی.
۱۱. ابن فضلان، احمد بن فضلان بن العباس راشد حماد، ۱۳۴۵، سفرنامه، ترجمه: ابوالفضل طباطبایی، تهران، بنیاد فرهنگ ایران.
۱۲. ابن فقیه، احمد بن محمد، ۱۴۱۶ق، البلدان، محقق و مصحح: یوسف الهادی، بیروت، عالم الکتب.
۱۳. ابن هیثم اصفهانی، ابوالفرج علی بن الحسین، ۱۴۱۳ق، اخبار النساء فی کتاب الأغانی، جمع و شرح: عبدالأمیر مهنا، بیروت، مؤسسة الکتب الثقافیة.

۱۴. استخری، ابواسحاق ابراهیم، ۱۳۴۰، مسالک و ممالک، ترجمه: محمدبن اسعدبن عبدالله تستری، به کوشش: ایرج افشار، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۱۵. اولسون، اوریان، بی تا، تاریخ اکتشافات جغرافیایی (از آغاز تا دوره معاصر)، ترجمه: رضا مشایخی (فرهاد)، تهران، زوآر.
۱۶. بارتولد، ولادیمیر واسیلیویچ، ۱۳۶۶، ترکستان نامه، ترجمه: کریم کشاورز، ج ۱، تهران، آگاه.
۱۷. چلونگر، محمدعلی، ۱۳۹۰، تاریخ فاطمیان و حمدانیان، اصفهان، دانشگاه اصفهان؛ چاپ اول، تهران، انتشارات سمت.
۱۸. حجازی، بنفشه، ۱۳۹۴ش، به زیر مقنعه (بررسی جایگاه زن ایرانی از قرن اول هجری تا عصر صفوی)، تهران، قصیده سرا.
۱۹. حموی، یاقوت، ۱۹۹۵م، معجم البلدان، الطبعة الثانية، بیروت، دار صادر.
۲۰. ساروخانی، باقر، ۱۳۷۸، روش های تحقیق در علوم اجتماعی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ج ۲.
۲۱. شهرستانی، شاه علی اکبر، ۱۳۶۲، مقایسه اسلوب جغرافیه نگاری حدودالعالم با جغرافیه نگاری های مماثل و معاصر آن، آریانا، کابل.
۲۲. قره چانلو، حسین، ۱۳۸۰، جغرافیای تاریخی کشورهای اسلامی، ج ۱، تهران، سمت.
۲۳. کراچکوفسکی، ایگناتی یولیانوویچ، ۱۳۷۹، تاریخ نوشته های جغرافیایی در جهان اسلامی، ترجمه: ابوالقاسم پاینده، تهران، علمی و فرهنگی.
۲۴. کرمر، جوئل، ۱۳۸۹، احیای فرهنگی در عهد آل بویه، ترجمه: محمدسعید حنایی کاشانی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
۲۵. لاییدوس، ایرا. ام، ۱۳۹۳ش، تاریخ جوامع اسلامی، ترجمه: محسن مدیر شانه چی، چاپ دوم، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی.
۲۶. مقدسی، محمد بن احمد، ۱۴۱۱ق، احسن التقاسیم فی معرفة الأقالیم، چاپ سوم، قاهره، مکتبه مدبولی.

۲۷. —، ۱۳۶۱، احسن التقاسیم، ترجمه: علی نقی منزوی، چاپ اول، تهران، شرکت مؤلفان و مترجمان ایران.
۲۸. منجم، ۱۴۰۸ق، آکام المرجان فی ذکر المدائن المشهورة فی کل مکان، محقق: سعد فهمی، بیروت، عالم الکتب.
۲۹. مهلبی، حسن بن احمد، ۲۰۰۶م، الکتاب العزیزی او المسالک والممالک، محقق و مصحح: تیسیر خلف، دمشق، التکوین.
۳۰. نامعلوم، ۱۳۴۰، حدود العالم من المشرق الی المغرب، به کوشش: منوچهر ستوده، تهران، دانشگاه تهران.

